

جلوه‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی با تأکید بر مسئله شورا

حسن خوش چشم آرائی^۱

امروزه، مهمترین مسئله هر کشور، مشارکت اجتماعی مردم در روند تصمیم‌گیریهای قانونی آن کشور است. چنانچه، مشارکت مردم در یک کشور، کم یا اصلاً، به رسمیت شناخته نشود، بحران مشارکت ایجاد می‌شود و دولت که ناخودآگاه دست به انباشت قدرت زده است، ناگزیر به توزیع مجدد قدرت می‌شود و سهم مردم را برای مشارکت در تصمیم‌گیریهی به رسمیت می‌شناسد. چنانچه دولت به توزیع انباشت قدرت دست نزنند، نظام خود را سریعتر به زوال نزدیک می‌کند.

در این نوشتار، برآنیم تا جلوه‌های توزیع انباشت قدرت از نظر اسلام را بررسی نماییم. جلوه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی در اسلام در ذیل سه اصل مهم است:

(۱) بیعت: در زمان حاضر شکل سابق خود را ندارد و امروزه به شکل راهپیمایی‌ها صورت می‌گیرد و اصول یکصد و هفتم و بیست و هفتم قانون اساسی به این مسئله اشعار دارد.

(۲) امر به معروف و نهی از منکر: این اصل با توجه به شرایط خاصی امکان‌پذیر است. اگرچه، در نوع واجب‌بودن آن که واجب‌کفایی است یا عینی، جای بحث است. اما تا آن حد اهمیت دارد که مرحوم کلینی در اصول کافی باب مهمی در النصیحة للائمة المسلمین مطرح می‌کند و احادیثی

مباحث یا زمینه‌های

مشارکت سیاسی و اجتماعی در ایران

از قول و تقریر و فعل معصوم، بیان می‌دارد. اصل هشتم قانون اساسی به مسئله امر به معروف و نهی از منکر اشعار دارد.

(۳) شورا: اساس تحقیق حاضر، براساس مسئله شورا است که در زمان حاضر بهترین نوع مشارکت اجتماعی و سیاسی - به نظر نویسنده - می‌باشد.

مشکلاتی که برای دو مسئله دیگر وجود داشت، در شورا کمتر به نظر می‌رسد. بنابراین در تحقیق حاضر، به بررسی جلوه‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم از نظر اسلام می‌پردازد، ولی تمرکز اصلی بر محور شورا می‌باشد.

شورا از نظر قانون اساسی، مهمتر از دو مسئله دیگر - امر به معروف و نهی از منکر و بیعت - است و اصول بیشتری از قانون اساسی را (اصل هفتم و اصول یکصدم تا یکصدم و ششم) دربرمی‌گیرد.

اندیشمندان سیاسی بر این عقیده‌اند که انسان، مدنی‌الطبع است و در اجتماع می‌تواند زندگی خود را ادامه دهد. برای این که مردم بتوانند زندگی اجتماعی خود را ادامه دهند، باید به آراء و دیدگاه‌های یکدیگر احترام بگذارند. بنابراین مسأله مشارکت مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شود. به نظر اندیشمندان، بزرگی و پیچیدگی جوامع جدید، و رشد بوروکراسی و توسعه اقتصادی؛ پایه ضمانتهای سنتی دموکراسی و نظام پارلمانی را برای حفظ حقوق افراد سست کرده، بنابراین باید این ضمانتها تقویت و گسترده شود. مردم برای تقویت آنها ناگزیر، به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم امری ضروری است؛ چون که افراد از چند و چون تصمیم‌گیریهای سیاستمداران بر زندگیشان بی‌خبرند و گاه قربانی آن تصمیمها می‌شوند.

مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم در بعضی جوامع، دچار بحران می‌شود. چون سیاستمداران کنترل تمام جامعه را در انحصار خود می‌گیرند و مردم کمتر حقی در مقامهای اجرایی و تقنینی دارند، حکومت در چنین جوامعی سریعتر زوال می‌یابد. به همین جهت محققان توسعه سیاسی را برای جلوگیری از فروپاشی حکومت، توصیه می‌کنند که دولت باید از انباشت قدرت اجتناب ورزیده و به توزیع مجدد آن پردازد. چون گذر از بحران مشارکت، باعث می‌شود که بحرانهای دیگر جامعه معمولاً از بین برود.

اسلام هم با توجه به تعالیم اجتماعی خود که برای اداره جامعه مطرح می‌کند، برای مفهوم مشارکت احترام

خاصی قائل است. حال به بررسی جلوه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی در اسلام می‌پردازیم:

جلوه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی

الف) بیعت: به معنی بستن قرارداد است بین حاکم که حکومت خود را به اطاعت مردم شهر یا کشور خود می‌فروشد. مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌دهی به یک حکومت از طریق اکثریت، صورت می‌پذیرد که ناشی از رأی مردم باشد. بیعت که مشارکت و حضور فعال مردم است، به حدی مهم می‌باشد که در مقام احتجاج و حقانیت قرار می‌گیرد.

اندیشمندان سیاسی بر این عقیده‌اند که انسان، مدنی‌الطبع است و در اجتماع می‌تواند زندگی خود را ادامه دهد. برای این که مردم بتوانند زندگی اجتماعی خود را ادامه دهند، باید به آراء و دیدگاه‌های یکدیگر احترام بگذارند

حضرت علی علیه السلام در نامه ششم نهج‌البلاغه برای معاویه می‌نویسند:

«انه بايعني القوم الذين بايعوا ابابكر و عمر و عثمان علي ما بايعوهم عليه فلم يكن للشاهد ان يختار و لا للغائب ان يرد...»

«همان مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند با من هم بیعت کردند. کسانی که حاضر بودند، نمی‌توانند خلیفه دیگر بگیرند و کسانی که غایب بودند، نمی‌توانند عمل حاضران را رد نمایند.»

بیعت‌های مختلفی که در دوره‌های گوناگون اسلام شکل گرفته است، به عنوان صحنه عملی حضور مردم و ناشی از اهمیت رأی مردم است.

بیعت عقبه اول و دوم، بیعت رهبران، بیعت مهم غدیر خم و ... به طور گسترده در کتب تاریخی ذکر شده است. امروزه مسأله بیعت به شکل راهپیمایی است

و در اصول «بیست و هفتم» و «یکصد و هفتم» قانون اساسی به آن اشاره شده است.

ب) امر به معروف و نهی از منکر: این اصل مهم اسلامی، بر نظارت مستمر مردم بر دستگاه‌های اجرایی، قضایی و قانونگذاری دلالت دارد. نظارت عمومی،

آیه ۱۱۲ از سوره مبارکه «توبه» نیز به امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد. البته باید شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد تا امر به معروف و نهی از منکر، یک امر واجب و لازم‌الاجرا گردد. این اصل، یک واجب کفایی است. اگر چه عده‌ای از علماء به عینی بودن آن، اعتقاد دارند. در اصل هشتم قانون اساسی نیز به مسأله امر به معروف و نهی از منکر، اشاره شده است.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نباید موجب استمرار فرد خطاکار بر گناه و همچنین منجر به مفسده گردد. ^۳ اصل امر به معروف و نهی از منکر، چنانچه اجرا نشود، سبب سقوط جامعه خواهد شد و عدم اجرای این اصل، باعث تغییر در ارزشها و تبدیل در احکام و اصول خواهد شد. حضرت علی (ع) خطاب به فرزندان ایشان امام حسین (ع) وصیت می‌کند:

«... لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر

فیولی علیکم أشرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم»

ج) شورا: در علم سیاست، نظامی که برپایه نظرخواهی از مردم و اعمال نظر آنها باشد؛ دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم، نامیده می‌شود. شورا، نشانه مشارکت عمیق مردم در سیاست جامعه می‌باشد. مشارکت سیاسی مردم، در شورا تحقق می‌یابد و مردم با شرکت در شوراهای، سرنوشت خود را تعیین می‌کنند. نوع مشارکت مردم، در جوامع مختلف تفاوت می‌کند. بنابراین، جوامع را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم: ۱- جامعه انسان محور (اومانیزم) ۲- جامعه خدا محور.

۱) جامعه انسان محور: در جامعه انسان محور، به

نفع شخصی افراد توجه می‌شود و هر جامعه‌ای که در آن حاکمیت دین، جدای از سیاست باشد، انسان محور است. این گونه جوامع را به عنوان «سکولار» می‌شناسیم. البته مفهوم «سکولار» به معنای ضد دین نیست، بلکه حیطه دین و دنیا را از یکدیگر، جدا می‌کند. فعالیت در یک جامعه «سکولار»، براساس نفع شخصی و سودفردی است. تبلیغات و آمار، حاکم بر

در علم سیاست، نظامی که برپایه نظرخواهی از مردم و اعمال نظر آنها باشد؛ دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم، نامیده می‌شود. شورا، نشانه مشارکت عمیق مردم در سیاست جامعه می‌باشد. مشارکت سیاسی مردم، در شورا تحقق می‌یابد و مردم با شرکت در شوراهای، سرنوشت خود را تعیین می‌کنند

احساس مسؤولیت همگانی، دعوت به خیر و معروف و بازداشتن یکدیگر از پلیدیها، از اصولی است که رعایت آنها برعهده همه مسلمانان است. نظارت مردم نسبت به خود یا نسبت به جامعه و دولت، به نظام سیاسی توانایی می‌بخشد و باعث می‌شود سطح آگاهی مردم و کارآیی قدرت داخلی تا آن حد بالا برود که هرگز قدرت به فساد کشیده نشود. قرآن مجید در موارد متعدد، به این اصل اساسی توصیه می‌کند.

آیه ۱۱۰ از سوره مبارکه آل عمران «به همه مردم توصیه می‌کند که: امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند. «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...»

و همچنین آیه ۷۱ از سوره مبارکه «توبه» به عمومی بودن امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد.

«و المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمونون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم»

جامعه «سکولار» است. و افراد شورا بیشتر با تبلیغات مشخص می‌شوند، تا آرای مردم.

(۲) جامعه خدمات‌محور^۵: در این جامعه، افراد کمتر به نفع شخصی خود، دلبستگی دارند و شورا، تلاش افراد برای حرکت در راه خدا و حاکمیت بخشیدن به نظام توحیدی است.^۶

مفهوم جامعه خدمات‌محور و انسان‌محور، نسبی است و جامعه خاصی را، مصداق این جوامع معرفی نمی‌کنیم. بحث تحقیق حاضر؛ شورا در جامعه خدمات‌محور است که شامل پنج بخش می‌باشد. الف- پیشگفتار، ب- جلوه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی، ج- معانی شورا، د- شورا در قرآن و حدیث، ه- موضوع شورا در حکومت خدمات‌محور، و- نتیجه‌گیری.

معانی شورا:

شورا از نظر لغوی، سه معنا دارد: الف- نشان‌دادن چیزی نیکو که پنهان است. ب- استخراج عسل از کندو. ج- نظرخواهی و رای‌زنی. حال با بهره‌گیری از این سه معنا؛ شورا را از نظر سیاسی، چنین تعریف می‌کنیم:

معنای سیاسی شورا در جامعه خدمات‌محور:

شورا، از اصول ضروری و بدیهی اسلام است و مردمی که در جامعه خدمات‌محور، زندگی می‌کنند، رأی پاک و نیالوده را از ضمیر پاک خود استخراج می‌کنند.^۷ در شورا بهترین راه‌حل را برای دفع ضرر یا جلب منافع اجتماع، ارائه می‌دهند.^۸ برای شورا، در اسلام، سند عقلی به معنای حجت خداوندی نیست. سند عقلی (حجت خداوندی) و نقلی (حجت بیرونی) موجود است.^۹ با توجه به توضیحات بالا، شورا چنین تعریف می‌شود: شورا از ضروریات جامعه خدمات‌محور است، که مشارکت حقیقی مردم در راه اداره جامعه و تجسم عینی حاکمیت خداوندی، با حکومت مردم می‌باشد.

واژه شورا، از واژگان دو پهلو است که بعضاً بازیچه دست سیاستمداران قرار می‌گیرد و از آن، برای رسیدن به اهداف خود، استفاده می‌کنند. بنابراین، ضروری است که شناختی دقیق از این واژه سیاسی به دست آوریم.

شورا در قرآن و حدیث

اهمیت مسأله شورا به اندازه‌ای است که یک سوره قرآن به همین نام نازل شده است. خداوند در چهار آیه آشکارا یا تلویحاً به شورا اشاره کرده است. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چند اصل (اصول هفتم و اصول صد تا یکصد و ششم)، به این مسأله مهم اختصاص داده شده است. شورا در قرآن:

الف) «فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ



لهم و شاورهم في الامر فاذا عَزَمْتَ فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين»^{۱۰}

«رحمت خدا، تو (رسول اسلام) را با خلق، مهربان گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند و چون به نادانی درباره تو بد کنند، از آنان در گذر و برای ایشان طلب استغفار کن و در کارها و امور مشورت کن و چون تصمیم گرفتی به خدا توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست دارد.»

دانشمندان، درباره این آیه نظرهای مختلفی ارائه داده اند، ولی قدر مشترک نظر آنان این است که: در همه ابعاد زندگی چه فردی و چه اجتماعی مشورت وجود دارد. مرجع ضمیر در «شاورهم» همه مردم را شامل می شود نه افراد ویژه ای را. ضمیر، شامل افراد

مشاوره با مردم برای استفاده از تأیید آنها؛ اثبات این مطلب که مشورت با مردم عیب و عار نیست؛ خودرأیی، باعث هلاک انسان می شود و حکومت در اسلام، استبدادی نیست، صورت می گیرد

عاقل و اهل حل و عقد است. این ادعا، براساس قرینه حکمی است، نه از باب صراحت لفظی.^{۱۱} قتل نامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
عده ای عقیده دارند منظور از «امر» فعالیت های حکومتی از قبیل تدبیر جنگ و جهاد است. این آیه، مشاورت و مشارکت امور سیاسی را برای مردم به رسمیت می شناسد. برخی علما «امر» را به معنای حکومت می دانند و به نامه امام حسین (علیه السلام) به معاویه استناد می کنند که امام به معاویه فرمودند: «... و لانی المسلمون الامر بعده» مردم حکومت را به من واگذار کرده اند.^{۱۲}

ب) «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ممارزقناهم ینفقون»^{۱۳} کسانی

که از پروردگارشان اطاعت کردند و نماز را به پا داشتند و کارهایشان را با مشورت بین خودشان انجام می دهند و از آنچه روزی دادیم انفاق می کنند. این آیه در مکه نازل شده است. در مکه حکومت اسلامی تشکیل نشده بود. پس «مشورت» در آیه، همه موارد زندگی را شامل می شود و مختص به عمل خاصی نیست.

آیه ۱۸ از سوره مبارکه «زمر»^{۱۴} و آیه ۲۳۳ از سوره مبارکه «بقره» تلویحاً اشاره به شورا دارد. علامه طباطبایی (ره)، در ذیل تفسیر آیه ۳۸ سوره مبارکه «شورا» آیه ۱۸ از سوره مبارکه «زمر» را مرقوم می فرمایند و این دو آیه را هم معنا می دانند.

آیه ۲۳۳ سوره بقره مشورت در زندگی زناشویی را مطرح می کند: زن و شوهر در امر زندگی، باید مشورت کنند حتی اگر بخواهند طفل را از شیر بگیرند.

اشکال

اگر ائمه هدی دارای عصمت هستند و علم «لدنی» دارند؛ چرا خداوند آنان را به مشورت امر می کند؟ مگر ائمه هدی در کار، دچار ضعف و خلل بودند، که بوسیله مشورت با مردم ضعف و خلل خود را برطرف می کردند. ائمه هدی، دارای علم و عصمت بودند و از خطا و لغزش و اشتباه به دور بودند. ولی علت اینکه خداوند، امر به مشورت فرموده است، به دلایل زیر می باشد:

الف- مشاوره با مردم، برای شخصیت دادن به امت اسلامی است.

ب- مشاوره با مردم، برای آزمایش مردم است تا منافقان را از خیرخواهان باز شناسند.^{۱۵}

ج- مشاوره با مردم، برای رشد فکری مردم و احترام به نظرهای مفید آنان است.

د- مشاوره با مردم برای استفاده از تأیید آنها؛ اثبات این مطلب که مشورت با مردم عیب و عار نیست؛ خودرأیی، باعث هلاک انسان می شود و حکومت در اسلام، استبدادی نیست، صورت می گیرد.

هـ- مشاوره با مردم برای این است که آنها انتقاد بیجا نکنند و از نظرهای ائمه هدی پیروی کنند.^{۱۳}

حکومت، با شورای مردم ایجاد میشود. حضرت علی علیه السلام برای خوارج فرمودند: «نعم انه لاحکم الا الله و لکن هولاء

پیامبر در بیشتر جنگها، خود شخصاً و یا با ارسال فرمانداران، با یاران خود مشورت می کردند و نظرهای آنان را جویا می شدند. در جنگ خندق پیامبر با مشورت سلمان فارسی، دور مدینه را خندق کنند و موانع ورود دشمنان به شهر شدند.

در اسلام حاکمیت از آن خدا است و مردم در سایه حاکمیت خدا حکومت تشکیل می دهند و مشروعیت حکومت خدا محوری از آن خدا و مقبولیت حکومت از آن مردم است. در حکومت اسلامی مشروعیت و مقبولیت با هم است. مقبولیت حکومت، با شورای مردم ایجاد میشود

يقولون: لا امرة الا الله و انه لا یسد للناس من امیر بر او فاجر به» «درست است که هیچ فرمانی وجود ندارد، مگر فرمان خدا ولی اینان می گویند: هیچ حکومتی وجود

حضرت علی علیه السلام در

کتاب نهج البلاغه در خطبه ۲۱۶ و عهدنامه مالک اشتر، به والیان و سردمداران جهان اسلام - در هر زمان و مکان - نصیحت می کنند «... فلا تکفوا عن مقاله بحق، أو مشورة بعدل فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی و لا آمن ذلك من فعلی الا أن یکفی الله من نفسی ما هو املك به منسی...» از گفتن حق و نظر دادن براساس عدالت باز نایستید و من بالاتر از آن نیستم که خطا کنم و از کار خودم ایمن نیستم، مگر اینکه خدا مرا از نفسم باز دارد که او از من نسبت به خودم توانا تر است.

ندارد، مگر حکومت خدا درحالی که مردم ناچارند که فرمانروایی خوب و درستکار، یا بد و ستمکار داشته باشند».

حکومت در اسلام حکومت مذهبی است نه حکومت مذهبی و روحانی، و سایر مردم، به یک اندازه در حکومت شریکند و رهبران با بیعت و شورا بر مسند حکومت تکیه می کنند و مقبولیت مردم با بیعت و شورا تحقق می یابد.

در کتب حدیث روایات گوناگونی درباره شورا میتوان یافت. شورا یک واقعیت عینی و سیاسی است که مردم با همگرایی خود، برای بدست آوردن یک هدف معقول می توانند از فهم و عقل و وجدان یکدیگر بهره گیرند.

نقطه مقابل شورا استبداد است. استبداد مقبولیت عامه ندارد. گاهی، سردمداران، مقبولیت را به اجبار بدست می آورند و مردم حکومت استبدادی را با اکراه می پذیرند.

شورا در حکومت خدا محور (اسلامی)

در اسلام حاکمیت از آن خدا است و مردم در سایه حاکمیت خدا حکومت تشکیل می دهند و مشروعیت حکومت خدا محوری از آن خدا و مقبولیت حکومت از آن مردم است. در حکومت اسلامی مشروعیت و مقبولیت با هم است. مقبولیت

نکته مهم این است که: اگر علم، تقوا و شجاعت، بی نیاز کننده حاکم از مشورت است، در این صورت خداوند نباید به ائمه هدی دستور به مشاوره دهد ولی در جامعه اسلامی ائمه هدی هم به مشورت توصیه شده اند تا زمینه حکومت استبدادی به وجود نیاید.

حاکم اسلام می تواند نظر افراد دانا را بشنود اگر نظر خود از نظر آنها بهتر بود موظف به پیروی نیست. چنانچه امام علی علیه السلام به ابن عباس فرمودند: «لک ان تشیر علی واری فان عصیتک فاطعنی.» «تو

راست که به من نظر دهی و اگر نپذیرفتم از من اطاعت کنی»

اگر مسأله‌ای برای حاکم مجهول باشد باید حاکم از افراد، مشورت بخواهد. روزی طلحه و زبیر خدمت امام رضی الله عنهما رسیدند و گفتند: چرا با ما مشورت نمی‌کنی امام فرمودند: چنانچه امری بر من مجهول بماند حتماً با شما مشورت می‌کنم. مشورت یکی از اصول حکومت اسلامی است ولی تا زمانی که نظر بهتری نزد حاکم است و مسأله مجهول وجود ندارد، مشورت مصداق خارجی پیدا نمی‌کند. حکومت در اسلام همیشه قرین با مشاوره بوده است. حکومتی سزاوار حکومت کردن است که زیر لوای یک ایدئولوژی معیار دهنده، ضابطه‌ساز و مفید باشد و معتقدین به مکتب و ایدئولوژی باید صلاحیت شرکت در شورا را دارا باشند و شورا باید مردم را به خدا نزدیک کند نه اینکه اغراض نفسانی و سود شخصی را در جامعه ترویج دهند. پس شورای

حقیقی باید

براساس

ایدئولوژی

باشد.

موضوع شورا

از دیدگاه

اسلام دو نوع

است:

الف-

موضوع شورا

در احکام

اولیه ب- موضوع شورا در احکام ثانویه

الف) موضوع شورا در احکام اولیه: احکامی که خدا و ائمه هدی آشکارا به آن اشاره داشته‌اند و لازمهٔ مسلمانی یک مسلمان است؛ مانند، روزه و نماز. همهٔ تکالیف اسلامی که با کوشش فقها از منابع چهارگانه - قرآن، سنت، اجماع و عقل و احکام اولیهٔ پنج‌گانه - واجب، مستحب، مباح،

مکروه و حرام - به حکم عقل سلیم و دستور خداوند وضع شده است.

مشورت در احکام اولیه‌ای که خدا وضع نموده و توسط ائمه هدی اعلام شده است، جایز نیست مگر این که اضطرار و اگره^{۱۷} بر جامعه حاکم شود و رهبر جامع شرایط می‌تواند احکام اولیه را لغو کند تا مانع، برطرف شود. اگر مشکلی در راه حج یا موانعی دیگر ایجاد شود، رهبر جامع شرایط می‌تواند بخاطر اضطرار، حکم اولیهٔ حج را رد کند.

ب) احکام ثانویه: احکامی که فقها با توجه به شرایط و مقتضیات فردی و اجتماعی صادر نمایند. مانند حکم تحریم تنباکو، که مرجع عالی‌قدر «میرزا حسن شیرازی» صادر کردند. احکام ثانویه معلول استنباط فقیه جامع شرایط است. هنگام صدور احکام ثانویه، فقیه جامع شرایط در مواردی که احتیاج به اطلاعات و آگاهی از موضوعی دارد، حتماً برای بدست آوردن علم به موضوع، باید به مشورت

در حقوق و فقه سیاسی اسلام احکام به دو گونه‌اند:

یکی، احکام پیشرو می‌باشند؛ همان احکام اولیهٔ اسلام که

بازگو کنندهٔ مصالح، مفاسد فطرت و طبیعت مادی و

روحي دائمی انسانهاست و فرد، حق هیچ‌گونه تغییری

را در آنها ندارد. دستهٔ دیگر، احکام پیرو هستند. احکام

ثانویه با تحقیق و تشخیص مردم است. مردمی که به

موضوع، آگاهی و وثوق کامل دارند

بپردازند و

بدون مشورت

اگر به راه خطا

بیفتند معذور

نخواهد بود.

در حقوق و

فقه سیاسی

اسلام احکام به

دو گونه‌اند:

یکی، احکام

پیشرو می‌باشند؛ همان احکام اولیهٔ اسلام که بازگو

کنندهٔ مصالح، مفاسد فطرت و طبیعت مادی و روحي

دائمی انسانهاست و فرد، حق هیچ‌گونه تغییری را در

آنها ندارد. دستهٔ دیگر، احکام پیرو هستند. احکام

ثانویه با تحقیق و تشخیص مردم است. مردمی که به

موضوع، آگاهی و وثوق کامل دارند. حکومت

مردم بر مردم (شورایی) به این معنا در اسلام جای

دارد. انتخاب شؤون حیات و کیفیت آنها در زمینه

همه جوانب زندگی، مادامی که با نهی صریح برخورد نکند در اختیار خود مردم است. چون اسلام اختیار در انتخاب را پذیرفته است و شورا و جماعت را بر مبنای «یدالله مع الجماعة» قرار داده و حکومت مردم بر مردم را در سطح عالی پذیرفته است.^{۱۸}

نتیجه گیری:

سؤال اصلی در این تحقیق این بود که: آیا مشارکت در نظام خدامحوری به عنوان اصل بدیهی و ضروری است یا خیر؟ چنانچه جواب مثبت است چه شورایی ملاک است؟

بیان می کردند، تا آنان را از نظر روحی و فکری تزکیه کنند.

در مقابل نظریه فوق، نظریه دیگری مطرح می شود: هدف از مشارکت و مشورت شورا و اختصاص یک سوره و آیات متعدد به مسأله شورا، برای رشد اجتماعی اصحاب و شکستن غرور نبوده و شامل امور فردی نمی شده است بلکه چنانچه اشاره شد؛ هدف پیامبر از تشکیل شورا، بیشتر برای مشارکت دادن اصحاب خود در جنگ و فرستادن فرمانداران به سرزمینهای مختلف بوده است.

حقیقت سلطنت و حکومت اسلامی، ولایت بر سیاست و مور امت است و این مهم با مشارکت سیاسی به دست می آید. مشارکت سیاسی در اسلام هرگز متوقف به رشد سیاسی و درک عمیق مردم نیست چون رشد سیاسی مقوله ای نسبی است و امکان توجه

عده ای از صاحب نظران مسائل اسلامی، عقیده دارند که: در اکثر آیات قرآن عباراتی؛ چون لایشکرون، لایشکرون، لایعلمون و لاتفعلون به کار برده است و براین مسأله دلالت دارد که مردم مسائل خود را نمی توانند حل کنند، بنابراین رهبران جامعه باید مقررات امور مردم را فراهم و مردم را به سرمنزل مقصود نزدیک کنند

عده ای از صاحب نظران مسائل اسلامی، عقیده دارند که: در اکثر آیات قرآن عباراتی؛ چون لایشکرون، لایشکرون، لایعلمون و لاتفعلون به کار برده است و براین مسأله دلالت دارد

که مردم مسائل خود را نمی توانند حل کنند. بنابراین رهبران جامعه باید مقررات امور مردم را فراهم و مردم را به سرمنزل مقصود نزدیک کنند.

مردم چون دچار احساسات و عواطف و مسائل بیرونی می شوند و در تصمیم گیریها خوب عمل نمی کنند. این صاحب نظران، مسأله شورا را فقط برای این که مردم در امور فردی خود موفق باشند قبول دارند و براین اساس ایشان شورایی که پیامبر و ائمه با اصحاب خود داشتند را برای رشد دادن و شکستن غرور اصحاب بیان می کنند و مشورت پیامبر در جنگ و امور اجتماعی را فقط برای پیروزی مسلمانان و شکست دشمن نمی دانند بلکه معتقدند: پیامبر مشورت را فقط برای رشد اصحاب

دارد. مفهوم شورا در نظام خدا محوری معنادار است؛ مانند، واژه های شهید و مستکبر و ... که در اندیشه های خدا محوری معنا پیدا می کند اگر چه در نظامهای انسان محوری شورا وجود دارد اما تفاوتی اساسی بین تلقی شورا در این دو نظام به چشم می خورد: در نظام انسان محوری، تبلیغها و آمار حاکم و سود شخصی ملاک است ولی در نظام خدا محوری، اندیشه الهی حاکم است، که توسط رهبر جامع الشرایط تبیین می شود.

اشکال

آیا امور جامعه باید توسط مشارکت اندیشمندان تبیین شود یا اینکه رهبر واحدی باید امور جامعه را تبیین نماید؟ رهبری جامعه باید فرد باشد و اگر

رهبری امور اجتماعی و ... بصورت شورایی باشد در مواقع حساس و خطیر تصمیم‌گیری جامعه که باید متوقف بر یک مرکز باشد، جامعه را دچار مشکل می‌کند و دلیل دیگر این که اداره امور جامعه به صورت شورایی، مخالف سیره عقلا و متشرعه است. حضرت علی علیه السلام به ابن عباس فرمودند: «تو باید با من مشورت کنی ولی اگر نظرت را عملی نکردم نباید ناراحت شوی و باید از من اطاعت کنی» از این کلام می‌توان نتیجه گرفت که: تمرکز در فرماندهی جامعه صالح صحیح است و رهبر جامعه باید حق مشارکت به همه گروهها بدهد ولی نظر قاطع را باید رهبر اعلام کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «الشركة في الملك تؤدي الى الاضرار» شرکت کردن در امور فرماندهی اجتماعی، جامعه را به پریشانی می‌کشاند خداوند در آیه ۱۵۹ از سوره مبارکه آل عمران، ابتدا دستور مشورت را می‌دهد و سپس پیامبر را امر به توکل بر خدا می‌کند و پیامبر بعد از تصمیم‌گیری باید به خدا توکل نماید. امام خمینی (ره) در پیام خود در تاریخ ۶۸/۲/۴ درباره بازنگری در قانون اساسی به مسأله تمرکز قوای مجریه و قضائیه و سایر ارگانها تأکید داشتند و معتقدند بودند که، رهبر باید امور هر سه قوه را مرتب و تصمیم‌نهایی را اتخاذ کند.

منابع و مآخذ

۱. استادی، رضا، شورا در قرآن و حدیث، هجرت، قم: ۱۳۶۳
۲. بازرگان، عبدالعلی، شورا و بیعت، انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۱ (هش)
۳. جعفری، محمدتقی، اصول حکمت سیاسی اسلامی، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۸
۴. شهیدی، سیدجعفر (مصحح)، نهج البلاغه، چاپ هشتم، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴
۵. قوام، عبدالعلی، نقد نظریه‌های توسعه سیاسی و نوسازی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۴

بهار
۱۳۸۰
۸۰

۶. منتظری، حسین‌علی، دراسات فی ولایة فقیه، مرکز المعاملی للدراسات الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ (هـ.ق)
۷. نائینی، محمدحسین، تزیه الملة و تنبیه الامة، تصحیح محمود طالقانی، انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۶۱ (هش)
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۱

- ۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۲ بحرانهای هویت، نفوذ، یکپارچگی، توزیع و مشروعیت در نظریه «لوسین پای» که مطالعه گسترده‌ای در نوسازی و توسعه سیاسی داشته، مطرح شد. رک قوام، عبدالعلی، نقد نظریه‌های توسعه سیاسی و نوسازی، انتشارات دانشگاه بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۷۸
- ۳ خمینی، روح‌الله (امام)، تحریر الوسیله انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۴۷۲
- ۴ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهید انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۰، نامه ۴۷
- ۵ منظور از حکومت خدا محور اسلام است.
- ۶ عبدالعلی بازرگان - شورا و بیعت، انتشار، ص ۹۲
- ۷ بازرگان، پیشین، ص ۲۵
- ۸ محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی، بنیاد نهج البلاغه، ص ۳۰۶
- ۹ جعفری، پیشین، ص ۳۰۴
- ۱۰ آل عمران، ۱۵۹
- ۱۱ محمدحسین نائینی، تزیه الملة و تنبیه الامة، تصحیح محمود طالقانی، انتشارات بی‌تا، ص ۵۲
- ۱۲ حسین علی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، مرکز المعاملی للدراسات الاسلامیة: ص ۳۱
- ۱۳ شوری، ۲۸
- ۱۴ «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوالباب»
- ۱۵ در جنگ احد پیامبر با اصحاب مشورت کرد اما عبدالله بن ابی، رهبر منافقان با پیامبر مخالفت کرد و عده زیادی از یاران پیامبر را از جنگ بازداشت و از میانه راه به مدینه برگرداند.
- ۱۶ رضا استادی، شورا در قرآن و حدیث، هجرت: ص ۲۰-۶
- ۱۷ پیامبر فرمود: رفع عن امتی تسعة اشیاء: الخطاء و النسیان و ما استکرهوا علیه ما لا یعلمون ما لا یطیقون ما اضطرروا الیه و الطیره و الحسد و التفکر فی الوسوسة فی الخلق
- ۱۸ جعفری، همان، ص ۲۱۲